



۲۰۱۶/۰۸/۱۸



ملالی موسی نظام

## به افتخار نود و هفتمین سالروز استقلال افغانستان

### زنان عصر امانی، بانیان نهضت زن در افغانستان



با استقبال از روز فرخنده نود و هفتمین سال آزادی افغانستان عزیز از چنگ استعمار برتانیای کبیر در ۲۸ اسد، ۱۲۹۸ هجری شمسی مطابق به ۱۸ اگست ۱۹۱۹ میلادی، درود و تمنیات قلبی خویش را بروح پر فتوح بنیان گزار افغانستان نوین، اعلیحضرت شاه امان الله غازی محصل استقلال وطن تقدیم نموده و تبریکات خالصانه خویش را همچنان به ملت رنجور افغان تقدیم میدارم.

مراسم استقبال این روز تاریخی که با محافل شادی و سرور از اول سنبله تا يك هفته در همه نقاط مملکت مخصوصاً در عصر فرخنده پر از صلح و سلم اعلیحضرت محمد ظاهر شاه تجلیل میگردد، در حقیقت جشن ملی و مردمی تمام اقشار ملت افغان محسوب میشود که در توضیح و تشریح آن روز های شادی بی بدیل نه تنها یاد و خاطره های ما وابسته و پیوند هستند، بلکه در لابلای اوراق تاریخ آن دهه های طولانی وطن، استقبال از چنین رویداد ارزشمندی، با خط جلی نقش بسته است. اعلام مدبرانه حریت و خود مختاری افغانستان عزیز توسط اعلیحضرت غازی شاه امان الله که با عزم راسخ، استقلال داخلی و خارجی مملکت را بعد از کنفرانس سمله در سال ۱۹۱۹ میلادی با قاطعیت و درایت احتواء گردید، افغانستان را نه تنها در جهان وقار و حیثیت استثنائی بخشید بلکه در بین همسایگان و ممالکی که استعمار، آمال و خواسته های ملی شانرا پامال نموده بود، انگیزه ای برای ایجاد جنبش های ملی آزادی خواهی و استقلال طلبی گردید. از بیانات آزادی خواهی آن زعيم ملی نام آور افغانستان، نمونه مختصری را تقدیم می نمایم:

بعد از اعلام سلطنت شاه امان الله، وی بیانیه ای در کابل ابراز نمود که مختصری از آن چنین است:  
"اول از همه رعایای صدیق ملت نجیب خود این اعلان را بشارت میدهم که من تاج سلطنت افغانیه را بنام استقلال و حاکمیت داخلی و خارجی افغانستان بسر نهاده ام" و سپس به بیانیه خویش چنین ادامه داد:

"ملت عزیز من! من این لباس سربازی را از تن بیرون نمیکنم تا که لباس استقلال را برای مادر وطن تهیه ننمایم، من این شمشیر را در غلاف نمیکنم تا غاصبان حقوق ملت را به جای خود ننشانم، ای ملت عزیز و ای سربازان فداکار من، بیایید تا که سرهای پرغیرت خود را برای خلاصی وطن فدا سازیم."

تاریخ و ملت افغانستان هرگز فراموش نمی نماید که علی الرغم صرف ۱۰ سال پادشاهی اعلیحضرت امان الله خان غازی که قسمتی از آن «۹ ماه» در حال مسافرت ها به منظور معرفی افغانستان آزاد، نوین، غیر منسلک و

در حال رشد و شگوفائی، سپری گردید و قسمتی هم به دسیسه سازی های خائنین وطنی و پلانهای استعماری گوناگون گذشت، این شاه وطن پرست بیشمار نوآوری ها و اصلاحات را نصیب ملت خویش گردانید. تغییرات سودمند نهضت زنان افغانستان که در آن علیا حضرت «ملکه ثریا» و مادر گرامی وی «اسماء رسمیه» همسر خردمند «محمود طرزی» بنیان گزار ژورنالیزم متری



و بسی نوآوری های مدنی و زنان با سواد و منور خاندان شاهی، با تلاش و طذاقت پی گیر نقش مهم و ارزنده ای داشتند، باعث رشك ممالك همجوار گردید.

در پهلوی ترقی و اصلاحات بمانند چنین یک دوره شگوفانی در ساحات معارف، آبادی، صنایع، مطبوعات و ده ها نوع نوآوری ها و دیگر امکانات ترقی و پیشرفت، باید ازین شاه متری به خاطر آزادی و نهضت بی نظیر زنان و حمایت و حراست از حقوق زنان و ترویج نکاح صرف يك زن در قانون، یادآوری نمود و به وی و ملکه دانشمند وی تهنیت و درود فرستاد، در حالیکه نزدیک به گذشت تقریباً یک قرن از آن روزگار با شکوه قانونیت، در افغانستان ویران امروزی حتی چنین حقی را پارلمان کشور به زنان محروم و مظلوم روا نمی دارد. عصر درخشان امانی با موجودیت شاه دیموکرات، متری و معارف پرور آن، دوره شکوفائی و کسب امتیازات و حقوق فردی و آغاز نهضت واقعی آزادی و حقوق حق زنان در ساحات مختلفه معارف، حقوق بشر، صهی و حق ازدواج محسوب میگردد.

همان طور که اشاره گردید در نهضت متری نسوان افغانستان درین عصر، زنان منور و دانشمند خاندان شاهی و سراجیه نظر به اهداف ترقی خواهانه و روحیه اصلاح طلبانه ای که در نهایت صداقت و حوصله مندی برای بهبود زنان خانه نشین افغان و تغییر مثبت در احوال اجتماعی آنان دارا بودند، سهم بارزی داشته اند.

خدمات برجسته و اشتراک زنان دربار در عصر امانی برای تغییر حالت زنان از شهر کابل آغاز می گردد، طوریکه در افتتاح مکتب مستورات در «شهر آرا»، ۵۰ نفر خانم شهر شامل گردیدند و تعدادی از زنان با سواد شهر و فامیل ملکه ثریا نیز برای تدریس و تنظیم مکتب سهیم شدند. مکتب مستورات بعد تر به عمارت باشکوه گلستان سرای منزل ملکه حلیمه معروف به «بویو جان جغه دار» همسر امیر عبدالرحمن خان، انتقال نمود که آن خانم منور افغان، آنرا به مکتب مستورات اهداء نمود.

نظر به علاقمندی فامیل های منور در آن عصر متری، مکتب دخترانه مستورات به زودی انکشاف نموده و تعداد شاگردان به ۲۰۰ نفر و تا سال ۱۹۲۸ به ۸۰۰ نفر متعلم اضافه گردید. که یکی از عصری ترین مکتب

افغانستان بشمار می رفت. با وجودیکه به تدریج تعداد کافی زنان برای تدریس و امور اداری مکتب که بعد تر از ابتداءیه به رشدیه «متوسطه» ارتقاء نمود، داخل کار گردیدند، با آنهم بنیان گزاران مکتب مستورات، یعنی «ملکه ثریا» و خواهرش «بی بی حوریه»، منحیت سرمفتشه، امور اداری مکتب را عملاً بر عهده گرفتند.

مساعی اعلیحضرت امان الله خان منحصر به مکتب مستورات نبود، چنانچه در مارچ ۱۹۲۱ مادر ملکه «میرمن اسماء رسمیه» به تعقیب پلان های مترقی شوهرش «محمود طرزی»، نشر اولین مجله مخصوص زنان را به نام «ارشاد نوان» رویراه نموده، به نشر سپرد. البته که نهضت درخشان زنان در عصر امانیه به این مختصر نمی گنجد و در آینده روشنی بیشتری بر زوایای «\*» آموزنده آن خواهیم انداخت.

با افسوس باید گفت که از باور بدور است که مملکتی چون افغانستان به رهبری فرزند صدیق کشور، شاه امان الله غازی در حدود یک قرن پیشتر از امروز برای احترام و ارزشمندی برای نهضت و حمایت از حقوق زن گام های چنان استواری برداشته بود که باعث تقلید، رشک و حسد ممالک همجوار و ماحول آن می گردید. حسرتا که امروز در چنین عصر و زمان تمدن والای بشری، سرزمین ما از نگاه عدالت و احترام به حقوق حق زن، یکی از پس مانده ترین ممالک در روی نقشه جهان بوده و حقوق و مزایای زن مظلوم افغان با حق تلفی مفرط و مظالم غیر بشری همواره در راه صعود، نه تنها بر زن، بلکه بر طفل اناث افغان با پامال حق مسلم و قانونی آنان در همه حال بی رحمانه و بی دریغ صورت می گیرد. در حال حاضر به جرأت باید گفت که وضع ناهنجار فعلی زن و دختر افغان، کاملاً از اساسات حقوق بشر و مجوزات اسلامی و حقوق مدنی بدور است.

آنچه را این شاه ملت پرور و دیموکرات افغانستان در راه حقوق خصوصی، منجمله حقوق زنان در افغانستان به وجود آورد، تا جهان جهان است صفحات درخشان به وی لقب بهترین بانی دیموکراسی، عدالت، قانونیت و برابری را درین سرزمین جنگ زده ویران که از دهه هاست جمعی از فرزندان ناخلف با دشمنی به خاک و مردم مظلوم آن کمر به ویرانی و چور وچپاول آن زده اند، اهداء مینماید!

افغانستانن از عصر درخشان امانی تا قبل از کودتای منحوس ثور و خیانت مبرهن گماشتگان اتحاد شوروی سابق، یعنی خلق و پرچم، در جهان بحیث يك مملکت آزاد و غیر وابسته عرض وجود نمود و همه ساله روز های جشن باشکوه استقلال را ملت افغان با سر بلندی و افتخارتجلیل میکرد. این بزرگداشت مردم پسند آرزوی مشترکی بود که همه اقشار ملت را از خرد و بزرگ از یکسال به سال دیگر در يك انتظار گرد هم آئی عمومی ملی قرار میداد.

شکی نیست که سرزمین ما قرن های متوالی مورد هجوم جهانگشایان مختلفه واقع گردیده و مردم غیور آن به دفاع از وطن بیشمارجان های شریین را قربان نموده اند، چنانچه دیده شد که در مبارزات ملی به مقابل دولت استعماری برتانیای وقت در قرن ۱۹ و ۲۰ که بالاخره به همت و درایت شاه امان الله غازی و سرسپردگان غیور وطن، استقلال کشور تحصیل گردید و هم چنان در اخیر قرن ۲۰ ملت مجاهد افغان با تجاوز شوروی و همکاری مزورانه حزب دیموکراتیک خلق و همگامان نا خلف آن، از مادر وطن دفاع نموده و با شهادت یکونیم میلیون سرسپرده، ابرقدرت دیگری را در ۲۶ دلو ۱۹۸۹ با خفت و شرمساری از افغانستان بیرون راندند.

ولی امروز این افتخارات برجسته ملی نزد حکومت افغانستان و عمال متنفذی که این حکومتات بی کفایت را به چپ و راست خم می نمایند، کاملاً بی قدر و کم رنگ گردیده و در عوض می بینیم که وقتاً فوقتاً با صراحت

پیشنهاد تغییر روز پیروزی ملت افغانستان را به روز مرگ مشکوک یک قوماندان تنظیمی مطرح که با امضای قرار داد و پروتوکول ها با شوروی سفاک برای حفظ و مراقبت عساکر اشغالگر آن، جنگ و خون ریزی بر مردم ما به درازا کشید، عوض می نمایند.

در حقیقت هر سالی که میگذرد، آن روزگاران فرخنده جشن و شادی که با حسرت و افسوس از جانب مردم افغانستان یاد میگردد، هنوز نسل هایی که شاهد و ناظر بزرگداشت از چنان افتخارات ملی در دهه های متوالی بوده اند، حیات دارند و بخاطر می آورند که از همان صنوف ابتدایی مکاتب مردم افغانستان به ارزش استقلال کشور ذریعه کتب درسی آشنا می گردیدند: **شکر استقلال داریم جشن هرسال داریم.**

درین پانزده سال باوجود یک حالت استقرار نسبی، اوضاع افغانستان شکل دیگری را بخود گرفته است، ولی طوریکه مشاهده می نمایم با تقسیم و ترکه کرسی های دولت به جنگسالاران، ناقضین حقوق بشر، مجرمین جنگی، افراد نالائق، کم سواد و بی کفایت و آنانیکه در ۳۸ سال اخیر با همدستی با متجاوزین و اشغالگران، خاک وطن را به تاراج بردند و بر مردم بیدفاع آن مظلومی را روا داشتند که در تاریخ سابقه نداشته، دردا که احساس آزادی و استقبال از آن میراث گرانبها و مقدس طوریکه لازم است، ارزش خود را از دست می دهد.

دولت ها برای خفیف و بی ارزش نشان دادن «استقلال» این والا ترین آرزو و افتخار مردم جهان و کافه ملت افغانستان، سالهاست که به تمکین به جنگسالاران و وطن فروشان غاصب، مخصوصاً با دنباله رویی آشکار به شورای نظار، قهرمان ملی واقعی افغانستان، محصل برحق استقلال وطن، «اعلیحضرت غازی امان الله» را در سایه «احمد شاه مسعود» سردمدار معامله گران با دول ذینفع در دهه های خون و آتش، این روی داد فرخنده را گاهی زیر سایه روز شهید «؟!» میبرند و زمانی کسر بودجوی و امنیت را بهانه آورده و از تجلیل جشن پر افتخار استقلال مردم افغانستان شانه خالی نموده و «طفره» میروند!



متأسفانه با دسایس استعمار و فعالیت های تخریبی گروپهای مذهبی داخلی و متعصبین، چنین دوره مترقی و دست آورد های ترقی خواهانه اجتماعی، بشری و سیاسی و البته نهضت شگوفان زنان افغان، قوس نزولی را پیموده و با اشغال مملکت ذریعه آشوب طلبان بی خرد و منع اساسات تمدن و حذف حقوق زنان منجمله مسدود گشتن مکاتب نسوان، و ایجاد ترس و دهشت عمومی، مملکت در یک دوره تاریک و عدم ثبات و قانونیت قرار گرفت.

**نوت: «\*» -** قسمت هایی از مضمون فوق از کتاب «زنان افغان» اثر خانم فرانسوی «می اسکینازی»، ترجمه میرمن دانشمند افغان خانم «رقیه حبیب» تهیه گردیده است.

#### ۱ - عکس بیرق افغانستان در عصر امانیه بعد از حصول استقلال.

۲- عکس اعلیحضرت غازی با ملکه ثریا، در دیدار از ترکیه که با «مصطفی کمال - اتاترک» گرفته شده است.  
۳- این عکس اعلیحضرت غازی شاه امان الله را در سال ۱۹۲۹ با فامیل بعد از ترک اجباری وطن در اثر دسائس داخلی و خارجی، حین ورود به بندر ماری در جنوب فرانسه نشان میدهد .